

## بسم الله الرحمن الرحيم

### اروپا روی سندان ایران و زیر چکش امریکا؛ سرنوشت توافقنامه هسته‌ای چه خواهد شد؟

(ترجمه)

مشخص است که برنامه هسته‌ای ایران را شرکت‌های فرانسوی و آلمانی در دوران شاه که تابع اروپا مخصوصاً انگلیس بود، ایجاد کردند. اما بعد از فروپاشی حکومت شاه، در سال 1979م نفوذ اروپا نیز در ایران به نهایت رسید و ایران به دام امریکا افتاد. اروپا تلاش نمود تا راهی را برای اعاده نفوذ خود و یا مقداری از نفوذش در ایران پیدا کند. بناءً اروپا مسئله هسته‌ای ایران را بعد از این که در سال 2003م مخالفین ایرانی بعضی از فعالیت‌های هسته‌ای کشورشان افشا گردید، دامن زد. گفتگوها میان ایران و مثلث اروپائی: انگلیس، فرانسه و آلمان به علاوه روسیه و چین جریان یافت. چنانچه ایران در آن سال پروتوکولی را با پایگاه جهانی انرژی هسته‌ای به امضاء رساند که بر اساس آن وی اجازه تفتیش فوری انرژی هسته‌ای را داشت. این مسئله دوباره در سال 2005 بعد از این که ایران روند غنی‌سازی انرژی هسته‌ای را از سر گرفت، روی کار آمد. اروپا فشار وارد کرد تا قضیه به سازمان ملل راجع گردید، سپس روسیه مخالفت نمود و پیشنهاد غنی‌سازی انرژی هسته‌ای را در سرزمین‌اش نمود و ایران در ابتدای سال 2006 این مسئله را نپذیرفت.

این گونه این حالت تا سال‌های طولانی با فراز و نشیب‌های زیادی ادامه یافت و امریکا تلاش نمود تا این مسئله بدون حل بماند تا اروپا را مشغول آن سازد و به وسیله دروغینی دخالت را نپذیرفت که گویا هیچ علاقه‌ای با ایران ندارد و اروپا هم بدون امریکا توان حل این مسئله را نداشت. تا این که به تاریخ 2013/11/24 توافقنامه میان ایران و کشورهای پنج به علاوه یک یعنی اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل به اضافه آلمان در مورد برنامه هسته‌ای ایران به امضاء رسید. بناءً ایران در مقابل رفع تحریم‌ها در مقابل امریکا کوتاه آمد و به نفع وی در منطقه بعد از انقلاب‌ها در آن نقش بازی کرد، مخصوصاً انقلاب سوریه که رنگ اسلامی گرفت و منافع امریکا را در منطقه به چالش می‌کشید؛ چنانچه اوباما به این موضوع اعتراف کرد. بناءً ایران با بی‌شرمی کامل شروع به تطبیق این نقش پلید نمود و اموالی را که بلاک گردیده بود که از جانب امریکا باز گردانیده در این راه مصرف نماید و هفت میلیارد دالر آن در امن قرار گیرد. اما اروپا از این حالت راضی نبود، زیرا هدف امریکا را به خوبی می‌دانست و امریکا توافقنامه را به نهایت رسانده بود و با گفتگوهای مخفی همراهی ایران به نتیجه رسیده بود. اروپا تلاش نمود تا آن‌ها را شکست دهد؛ اما زمانی که ناکام گردید، مجبور به موافقت شد تا تأثیر بین‌المللی‌اش را حفظ نماید، منافع آن محقق شود و فشارهایش را ادامه دهد تا دست آوردهای زیادتری را کسب نماید. تا این که به تاریخ 2015/7/20 توافقنامه جدیدی صورت گرفت، اگرچه این توافقنامه به نفع امریکا بود که اوباما آن را به عنوان یک عمل تاریخی لقب داد و تبلیغاتی بود برای کسب آرای دیموکرات‌ها در انتخابات 2016 و تحکیم نقش ایران در منطقه مخصوصاً در سوریه. اما اروپائی‌ها این فرصت را به هدف دست‌آوردهای اقتصادی غنیمت شمردند؛ جمهوری خواهان با این توافقنامه مخالفت نمودند؛ برای این که مخالفین‌شان در انتخابات پیروز نگردد.

بعد از این که جمهوری خواهان به قدرت رسیدند، رییس جمهور ترامپ در 2018/5/8م این توافقنامه را از بین برد، وی گفت: چون شرایط در سوریه تغییر نموده است؛ چنانچه حالا خطر سقوط نظام وجود ندارد؛ بناءً نیازی به ایران در آنجا نیست. روسیه و اردوغان نقش مهمی را بعد از ایران و حزب آن در لبنان و پیروان‌اش به نفع امریکا در از بین بردن انقلاب و مشروع اسلامی‌اش

و تحکیم نظام سکولار که مزدور امریکاست انجام دادند؛ زیرا گمام می کردند که اروپا از این توافقنامه به نفع خود سود برده است. امریکا تصمیم گرفت توافقنامه دیگری را در ضمن جنگ اقتصادی که ترامپ بتاريخ 2018/3/2 بر دوست و دشمن اعلان نمود با ایران امضاء کند که منافع اروپا را به خطر مواجه کند.

ایران با حمله امریکا سازگاری دارد و به نفع وی می چرخد و می داند که امریکا قوی ترین نفوذ بین المللی را در سطح جهان دارد. بناءً اروپا را با ترک گفتن از توافقنامه هسته ای تهدید می کند و برای اولین بار بتاريخ 2019/5/8 تحریم ها بروی کاهش یافت و برای بار دوم بتاريخ 2019/7/7 م و برای بار سوم بتاريخ 2019/9/7 م و از تاریخ 2019/10/6 م برای چهارمین بار تهدید می کند تا تحریم ها کاهش یابد. هر اندازه که اروپا از لیبیک گفتن به در خواست ها تأخیر می کند و امریکا تحریم هایش افزوده می گردد، تهدیدات ایران بالا می گیرد. همه این ها به نفع امریکاست که از بین بردن توافقنامه را هدف قرار داده است. اروپا تلاش نمود تا راهی را برای رسیدن عواید نفتی اش خارج از نظام تحویلات مالی جهانی امریکائی پیدا کند.

فرانسه تلاش نمود تا امریکا را قناعت دهد که ایران را اجازه دهد تا قدم اعتباری را به ارزش پانزده میلیارد دلار که معادل به حقوق چهار ماهه نفتی می شود، در مقابل پایبندی به توافقنامه هسته ای و ضمانت امنیت خلیج و گشایش مذاکرات در مورد امنیت منطقه و مرحله بعد از سال 2025 در وقت انتهای بندهای توافقنامه بردارد. اما امریکا این پیشنهاد را نپذیرفت و فال اروپا به نتیجه نرسید؛ بلکه امریکا تحریم های جدیدی را علیه ایران که شامل شانزده کیان، یازده کشتی و ده نفر در ایران می شد وضع کرد. این کار امریکا به چالش کشیدن واضح اروپا و به مخاطره انداختن منافع تجاری اش در ایران بود.

اروپا به توافقنامه متمسک می شود، زیرا این توافقنامه منافع اقتصادی و سیاسی او را فراهم می کند، به گونه ای که توانائی نشستن با امریکا را برای بستن توافقنامه پیدا کرد که قدرت بین المللی وی را بلند می برد. امریکا می خواهد دست آوردهای اروپا را از بین برده و او را به حاشیه براند تا دنبال امریکا روان باشد؛ نه در ردیف وی؛ هم چنین با روسیه و چین نیز چنین می کند. بناءً امریکا می خواهد توافقنامه را تنها با ایران به امضاء برساند که چوکات آن را خودش مشخص نماید تا منفعت اصلی را امریکا و آنچه باقی می ماند به دیگر کشورها برسد.

این واضح است که امریکا در مذاکره با کوریای شمالی چین را به حاشیه می راند؛ در حالی که چین در آنجا صاحب نفوذ است؛ اما بخاطر ضعف سیاسی نتوانست امریکا را وادار نماید تا مذاکرات سه جانبه باشد. هم چنین امریکا مذاکرات شش جانبه را همراهی کوریای شمالی که در آن روسیه، چین و چپان اشتراک می کرد، لغو نمود تا تنها تصمیم بگیرد و نکته دیگر اینکه تا تأکید کند که او یگانه دولت بدون رقیب در سطح جهان است تا به تنهایی روابط بین المللی را مشخص نماید و دیگران به آن پایبند باشند. اگر چنین نکند، بر آن ها فشار آورده و تحریم وضع و افکار عمومی را علیه آن ها می کند؛ چنانچه در مسئله تروریسم چنین کرد. همه کشورهای جهان مطیع امریکا شده، در جنگ با آن همگام شدند و قوانین آن را پذیرفتند؛ هرکسی که قوانین وی را نپذیرد، او را به همکاری با تروریسم متهم می کند؛ بناءً بر وی تحریم وضع می کند و مورد تنفر افکار عمومی قرار می گیرد. پس همه پذیرفتند و این گونه امریکا در قضایا عمل می کند، سلطه خود را تحمیل و منافع خود را تأمین می نماید.

واضح می گردد که تلاش های اروپا بسیار سست و ناکام است. گمان می رود که توافقنامه عملی صورت نگیرد و تنها در حد حرف باقی بماند. اروپا با این کار راضی می گردد و درنگ می کند تا زمینه بخاطر حفظ دست آوردهایش مهیا شود. در حالی که امریکا می خواهد توافقنامه را با ایران به تنهایی منعقد نماید که دیگران را به حاشیه براند و ایران نیز با این کار امریکا هم خوانی

دارد. ایران همیشه ناتوانی راوپا را حمله می کند؛ به دلیل موقف امریکا از اروپا. اما مشکلات دیگری نیز وجود دارد که بستن قرارداد را به صورت داخلی و خارجی به تعویق می اندازد که بر آن غلبه می کند؛ زیرا ترامپ می خواهد کاری را انجام دهد که زمینه پیروز شدنش را در انتخابات پیش رو فراهم سازد.

ایران یک دولت ملیت پرستی ست که اختلافات مذهبی را دامن زده و از آن بهره برداری می کند. ایران در رکاب امریکا به دنبال فراهم کردن هدف خود می باشد و بخاطر منافع خود نفوذ امریکا را قوی می سازد. چنانچه از اعمال وی در سوریه، عراق و افغانستان واضح می گردد. اما دولت خلافت راشد بر منهج نبوت که به زودی اقامه خواهد شد، با هیچ کسی در مورد ساختار جنگی و اسلحه هسته ای خود مذاکره نمی کند و دخالت هیچ کسی را نمی پذیرد، بلکه آنچه را که شریعت امر نموده است، انجام داده و برای هراس دشمن امکانات فراهم می کند.

**نویسنده: اسعد منصور**

**تاریخ: 24 صفر 1441 هـ.ق**

**برابر با 23 اکتوبر 2019م**

**مترجم: رامین بارز**